



برداشتن به جزئیات و ظرایف روابط آدم‌های امروز

شیره شما در انتخاب کتاب

برای ترجمه چیست؟ ترجمه می‌دهم بیشتر از ادبیات معاصر انگلیسی ترجمه کنم و این کار به دلایلی چندین آسان نیست. یک دلیلش این است که بسیاری از آثار داستانی معاصر به دلایل فرهنگی قابل ترجمه نیستند. دلیل دیگرش فقر شدید منابع است که ما در اینجا با آن مواجهیم. دسترسی به ادبیات معاصر انگلیسی، یا هر زبان دیگری، برای ما کار ساده‌ای نیست و امکان انتخابمان خیلی محدود است. مجبوریم برای انتخاب کتاب به جوایز ادبی، قضاوت منتقدان و چیزهایی از این‌طور متکی باشیم. من هم برای انتخاب کتاب باید در چارچوب همین امکانات محدود حرکت کنم و با توجه به همین امکانات از بین آنچه به دستم می‌رسد انتخاب کنم.



کتاب اصلی چند داستان داشته؟ ظاهراً در ترجمه‌های مختلف تعداد داستانها متفاوت است. شما چند داستان ترجمه کرده‌اید؟ مجموعه اصلی شامل ۹ داستان است که من یکی از آنها را ترجمه نکرده‌ام، چون فکر می‌کردم به دلایل فرهنگی باید مقدار زیادی از آن را حذف کنم یا بیرون بدهم و این تغییر از عنوان داستان شروع می‌شد به نظر من این میزان حذف تغییر در ترجمه کار درستی نیست، ترجیح می‌دهم از ترجمه چنین متنی صرف نظر کنم. در سایر داستانهایی که از این مجموعه ترجمه کرده‌ام، هیچ گونه تغییر یا بذلی صورت نگرفته.

به نظر شما، دلیل توجه به آثار این نویسنده چه بوده؟ لابد منظورشان بازار نشر دنیای انگلیسی زبان است، چون در ایران که این کتاب به تازگی منتشر شده و هنوز از میزان استقبال خواننده‌ها خبر نداریم. به نظر من، فضای متفاوت این داستانهاست که برای خواننده انگلیسی زبان جذاب است. نویسنده به موضوع بیگانگی پرداخته که مسأله انسان شهر نشین روز است. مهاجرت هم شکلی از این بیگانگی است. پرداختن به جزئیات و ظرایف روابط آدمهای امروز و مطرح کردن درگیری‌های آنها از ویژگی‌های بارز این مجموعه است. البته در این بین نباید از عنصر سلیقه غافل شد؛ هر کسی سلیقه به روحیه و حال و هوای خود، ممکن است داستان خاصی را پسندد. از طرفی فضای متفاوت داستانها، که غالباً ریشه در هند و فرهنگ هندی دارد، با فضای داستانهای انگلوساکسون متفاوت است و همین غریبیت ممکن است برای خواننده غربی جذاب باشد.

همین جفا اضافه کنیم که برخی از داستانهای این مجموعه قبلاً در مجلات متبری مثل نیویورکر چاپ شده و مورد توجه قرار گرفته بود. هر چند این مجموعه اولین کتاب این نویسنده است، ولی شهرت او آنقدرها هم ابتدایی ساکن نیست.

درباره ویژگی‌ها و خصوصیات این داستانها و نوع ترجمه آنها توضیح دهید. این داستانها ساختار پیچیده‌ای ندارند، بیشتر مضمون و فضای داستان‌هاست که آنها را جذاب کرده است. زبان نویسنده، دو عین سادگی، زبان خاصی است، همین دلیل هم ترجمه آن سهیل و مجتبی است. در وهله اول، فکر می‌کنید سخت ترجمه می‌شوند، ولی حقیقتاً سبک نویسنده کار ساده‌ای نیست. می‌توانید درباره تقابلی دو فرهنگ در داستان‌های این مجموعه توضیح دهید؟

خانم لاهیری متولد انگلستان و بزرگ شده آمریکاست و از نسل دوم مهاجران به شمار می‌رود. شاید به همین دلیل می‌تواند به مسأله مهاجرت از ششم انداز وسیع تری بپردازد بی آنکه خودش به صورت حاد درگیر این مسأله شود. به هر حال، تسلط دوم مهاجران با این مسأله دوگانگی فرهنگی، بهتر کنار می‌آید. در گزینش‌های این فصل با وطن جدیدش کمتر است و حسرت سرزمین زری به صورت کینه فروخورده‌ای در او می‌جلی نمی‌شود. به عنوان مثال، در داستانهای وقتی آقای پیرزاده برای شام می‌آید، دخانه خانم مین و هوسمین و خربز قاره، این تقابلی فرهنگی را با نظر افراشت فراوان نشان می‌دهد. ظاهراً نویسنده‌های مختلفی از ملیتهای گوناگون به زبان انگلیسی می‌نویسند، همین طوره‌های از نویسنده‌های ما هم هستند که مایل هستند آثارشان را به انگلیسی بنویسند. فکر می‌کنید دلیل این امر چه باشد؟ تا آنجا که من خبر دارم، آن نویسنده‌های ملیتهای گوناگون که به انگلیسی می‌نویسند معمولاً تسلط اول یا دوم مهاجران هستند و اصلاً برای مخاطب انگلیسی زبان می‌نویسند؛ اینها عموماً زبان انگلیسی را انتخاب نکرده‌اند، بلکه برای ایجاد ارتباط با مخاطب تاگزیر بوده‌اند. به این زبان بنویسند، نویسندگان نسل دوم مهاجران معمولاً نمی‌توانند به زبان سرزمین پدری خود بنویسند. در ورد نویسنده‌گان خودمان، اطلاعی ندارم که به انگلیسی بنویسند، اگر چنین چیزی واقعیت داشته باشد، لابد در جستجوی انتهای وسیعتری هستند. البته برخی از نویسندگان ایرانی در خارج از ایران هستند که به زبان انگلیسی می‌نویسند که آن هم برای برقراری ارتباط با مخاطب است.

آیا موفق به ایجاد ارتباطی با نویسنده شده‌اید؟ نه، من برای تماس با خانم لاهیری اقدامی نکرده‌ام. چنین تماسی مستلزم بین حداقل حقوق نویسنده است که در شرایط فعلی در بازار نشر ما ممکن نیست. نمی‌دانم چطور می‌شود برای نویسنده‌ای که اثرش را طبق ضوابط نشر آمریکا منتشر می‌کند توضیح داد که ما در ممالکتان حق مولف (کپی رایت) را رعایت نمی‌کنیم و هر کسی می‌تواند هر اثری را بدون اجازه نویسنده و ناشر آن ترجمه کند.

فکر می‌کنید چرا چند مترجم از ترجمه این کتاب استقبال کرده‌اند؟ تا آنجا که من دانم، غیر از ترجمه من، دو ترجمه دیگر هم از این کتاب منتشر شده است. قبالی که مترجمها به این مجموعه نشان داده‌اند ناشی از عوامل متعددی است. کتاب چندینی است و جایزه ادبی پولیتزر ۲۰۰۰ را برده است. از طرفی فرهنگ، به چیز یک داستان، مورد خاصی برای جاذبه و میزبانی ندارد. مجموعه‌ای است کوچک و جمع و جور با زبان نسبتاً ساده. فضای عاطفی داستانها و خیال و هوای شرقی آنها برای خواننده ایرانی مانوس است. گمان می‌کنم همین قدر برای استقبال مترجمها از این اثر کافی باشد.

جو مپالا هیری در سال ...

جو مپالا هیری در سال ۱۹۶۷ در لندن به دنیا آمد و در ردایند بزرگ شد. وی چندین بار به هند سفر کرد، کشوری که والدینش در آنجا به دنیا آمده و بزرگ شده بودند. لاهیری لیسانس خود را در رشته ادبیات انگلیسی از دانشکده برنارد گرفت. وی در کودکی داستان‌های طولانی در دفترهای یادداشتش می‌نوشت و گاهی دوستانش در این کار یا وی همکاری می‌کردند. برای روزنامه مدرسه‌اش نیز چیزهایی می‌نوشت. اما قصه نویسی را کنار گذاشت تا وقتی که به دانشکده رفت. حرف‌هایی از زبان خودش:

«وقتی برای اولین بار یک کامپیوتر از خودم داشتم، داستان نویسی را به طور جدی تری آغاز کردم. عادت داشتم تا دیر وقت بیدار بمانم و روی داستان‌هایم کار کنم. اما بعد از اینکه درسم به پایان رسید نمی‌دانستم حالا باید چه کاری انجام دهم. بنابراین به تحصیلاتم ادامه دادم و دکترای شتم. در این اثنا برایم روشن شد که برای تحقیق کردن آفریده نشده‌ام، کاری که من انجام می‌دهم از روی حس وظیفه شناسی بود، اما هرگز عاشق کارم نبودم.»

مدتی در کنار کارم داستان می‌نوشتم و به هر ترتیب چاپ می‌کردم، سالی که پایان نامه‌ام را تمام کردم، در مرکز هنرهای زیبا در پروریس تان پذیرفته شدم، و این اتفاق همه چیز را تغییر داد. این اتفاق مثل یک معجزه بود. ظرف هفت ماه، یک وکیل گرفتم، یک کتاب فروختم و یک داستانم در نشر نیویورکر به چاپ رسید. من واقعاً خوشبخت بودم، و این شادترین سرانجام ممکن برای من بود.»

بالاخره لاهیری به دانشگاه بوستون راه یافت، و سه مدرک لیسانس در رشته‌های انگلیسی، نگارش ادبی، ادبیات تطبیقی و ادبیات و علوم انسانی و مدرک دکترای در رشته پژوهشهای رنسانس دریافت کرد. وی اکنون در نیویورک زندگی می‌کند.

سه داستان کوتاه از جو مپالا هیری در نشر نیویورکر در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسید. اولین داستان وی، «ترجمان درد» بود که در اوایل سال ۱۹۹۹ منتشر شد. این داستان هم برای جایزه آهنری و برای بهترین داستانهای کوتاه آمریکایی برگزیده شد.

جو مپالا هیری در ۱۰ آوریل ۲۰۰۰، برنده جایزه پولیتزر برای ادبیات داستانی شد، وی اولین فرد از آسیای مرکزی بود که یک جایزه اختصاصی دریافت می‌کرد.

در می سال ۲۰۰۰ داستان جو مپالا هیری با نام «سومین و آخرین قاره» که در تابستان ۱۹۹۹ در نشر نیویورکر به چاپ رسید یکی از سه داستانی بود که این نشریه به خاطر چاپ آن برنده جایزه مجله ملی برای ادبیات داستانی شد.

(National Magazine Award for Fiction). در سال ۱۹۹۹، نشر نیویورکر لاهیری را به عنوان «یکی از ۲۰ نویسنده برتر زیر ۴۰ سال» نامزد کرد. وی جایزه ترانس اتلانتیک (Transatlantic Review) را از طرف بنیاد هنفیلد (Henfield Foundation) دریافت کرد و همچنین برنده جایزه ادبیات داستانی از طرف لوئیس ویل ریویو (Louisville Review) شد و عضو مرکز هنرهای زیبا در پروریس تان شد.

